

## دلایل و زمینه‌های شکل‌گیری پیشداوری و تصورات قالبی در بین گروه‌های هویتی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تهران)

علی اشرف نظری<sup>۱</sup>

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۰/۷/۴ - تاریخ تصویب: ۹۱/۲/۱۸)

### چکیده

پژوهشگران روان‌شناسی اجتماعی باورهای نادرست افراد در مورد شخصیت، رفتار، نگرش، شایستگی‌ها، و در ارتباط با هر نوع گروه (جنسیت، نژاد، طبقه، شأن، محل زندگی، ...) را تصورات قالبی می‌گویند. تصورات قالبی در بردارنده هر نوع شناختی نسبت به افراد و گروه‌های دیگر نیست، بلکه مشتمل بر تصورات نادرست و غیردقیق درباره آنهاست. به تعبیر بهتر، افراد ممکن است به‌رغم داشتن برخی اطلاعات محدود یا مبهم، در فرایند قالبی‌سازی برخی از واقعیت‌ها را به‌صورتی اغراق‌آمیز مورد توجه قرار داده و تعمیم دهند. مسئله اصلی مقاله حاضر، فهم دلایل و زمینه‌های شکل‌گیری نگرش‌ها و تصوراتی است که هر یک از ما به‌صورت قالبی و کلیشه‌ای در ارتباط با محیط پیرامونمان به‌دست می‌آوریم و به دیگران منتقل می‌کنیم. فهم و سنجش میزان ارتباط عواملی مانند جنسیت، سن، محل سکونت، موقعیت اقتصادی، وضعیت اشتغال، میزان تحصیلات، رشته تحصیلی و تصورات قالبی، هدف اصلی این پژوهش است. در این پژوهش تلاش خواهد شد با کاربست روش پیمایشی، دیدگاه بخشی از افراد جامعه (دانشجویان دانشگاه تهران) درباره گروه‌های هویتی موجود در جامعه درک و تجزیه و تحلیل شود.

### واژگان کلیدی

تصور قالبی، پیشداوری، دانشگاه تهران، شناخت، طبقه‌بندی، هویت، یادگیری اجتماعی.

**مقدمه**

فهم ریشه‌ها و زمینه‌های شکل‌گیری تصورات قالبی چندان ساده به نظر نمی‌رسد، زیرا ذهنیت جمعی یک ملت در قبال پدیده‌ها، در گذر تاریخ و متأثر از واقعیت‌های گوناگون روان‌شناختی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شکل می‌گیرد، تحول می‌یابد و مورد بازیابی قرار می‌گیرد. هر یک از ما، متأثر از تیپ شخصیتی خود (درون‌گرا/ برون‌گرا، خوش‌بین/ بدبین، عاطفی/ خشن، خونگرم/ خونسرد)، فضای فرهنگی اجتماعی که در آن رشد یافته‌ایم، محیطی که در آن آموزش دیده‌ایم، و ساختاری که در آن به ایفای نقش اجتماعی می‌پردازیم، ذهنیت‌ها و تصوراتی را درباره خود و دیگران پذیرفته‌ایم. به‌نحوی عینی‌تر، پویایی‌های درونی، خانواده، همسالان، آموزش‌های آشکار و پنهان، رسانه‌ها، میزان آگاهی‌های عمومی، سطح تعامل اجتماعی، فرایندهای یادگیری اجتماعی، نفوذ اجتماعی،... در زمینه شکل‌گیری و تقویت تصورات قالبی نقشی محوری ایفا می‌کنند.

در این مقاله تلاش خواهد شد با کاربری روش‌شناسی و تحلیل‌های دانش‌بنیان، دیدگاه دانشجویان دانشگاه تهران درباره گروه‌های هویتی موجود در جامعه درک و تجزیه و تحلیل شود. این پژوهش به‌صورتی کاربردی درصدد بررسی ابعاد روان‌شناختی - اجتماعی تصورات قالبی است که به نظر می‌رسد هر نوع بیان و موضع‌گیری معطوف به کلیشه‌سازی و پیشداوری برآمده از این ابعاد است. سنجش و ارزیابی میزان تصورات قالبی و پیشداوری و اینکه تا چه حد این مسئله بر نوع نگاه آنها به دیگران اثر نهاده است، یکی از دغدغه‌های پژوهش حاضر است. تمهید پرسشنامه و تجزیه و تحلیل آن با هدف درک نشانه‌ها و الگوهای حاکم بر نگرش‌ها، احساسات و ترجیحات دانشجویان درباره گروه‌های هویتی راه‌حل عینی نگارنده است. چشم‌انداز نهایی این پژوهش، تلاش برای فهم چرایی شکل‌گیری تصورات قالبی و پیشداوری، چگونگی شکل‌گیری آن متأثر از عوامل مختلف شخصیتی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، و در نهایت تمهید مبانی نظری لازم برای فهم تصورات قالبی است. نگارنده امید دارد یافته‌های این پژوهش بتواند به‌نحوی کاربردی در زمینه فهم نگرش‌ها و تصورات ما از یکدیگر و تقویت همگرایی ملی مؤثر باشد.

**پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش**

تصورات قالبی و پیشداوری متأثر از چه عواملی شکل می‌گیرد؟ نوع نگرش دانشجویان نسبت به افراد، اقوام، طوایف و گروه‌های دیگر چگونه است و تا چه حد تحت تأثیر پیشداوری و تصورات قالبی است؟ نقش جنسیت و سن در شکل‌گیری و کاربرد تصورات قالبی تا چه حد است؟ میزان تحصیلات شاخه تحصیلی دانشجویان (علوم پایه، علوم انسانی و هنر، کشاورزی،

فنی و مهندسی) تا چه حد در شکل‌گیری و کاربرد تصورات قالبی تأثیرگذار است؟ میزان تحصیلات والدین تا چه حد در شکل‌گیری و کاربرد تصورات قالبی تأثیرگذار است؟ چه راهکارهایی را می‌توان برای کاهش تصورات قالبی و پیشداوری و دستیابی به شناختی دقیق‌تر از دیگران ارائه کرد؟

فرضیه‌های این پژوهش از نوع همبستگی و همخوانی است و بیش از آنکه فرضیه‌های مورد نظر نویسنده (سوگیری‌های پیشینی) قابل اعتبار باشد، روابط بین متغیرها، همبستگی بین آنها، نگرش‌ها و تصورات تکمیل‌کنندگان پرسشنامه ملاک ارزیابی و تحلیل خواهد بود. ضمن اذعان به این واقعیت و ضرورت عدم سوگیری پیشینی، برخی فرضیه‌های آگاهی‌بخش که بیشتر نقش ستاره راهنما در پژوهش حاضر را دارند، مطرح می‌شود. این فرضیه‌ها چنین هستند:

تصورات و ادراکات از دیگر گروه‌های هویتی، تابعی از جنسیت (زن/ مرد) است، به این معنا که احتمالاً تصورات قالبی در میان مردان بیشتر است.

میان سن افراد و شکل‌گیری و کاربرد تصورات قالبی رابطه معکوس وجود دارد؛ بدین معنا که با افزایش سن افراد (متأثر از متغیرهای میانجی مانند گسترش تجربه و آگاهی، شناخت دقیق‌تر، درک دیگران، تعامل یافتن با دیگر اقوام و شهرها، ...)، تصورات قالبی کاهش می‌یابد. بین شاخه تحصیلی دانشجویان (علوم پایه، علوم انسانی و هنر، کشاورزی، فنی و مهندسی) و شکل‌گیری و کاربرد و تصورات قالبی رابطه وجود دارد و تصورات قالبی در میان دانشجویان علوم انسانی و هنر کمتر از دانشجویان سایر شاخه‌هاست.

بین میزان تحصیلات افراد (به معنای افزایش تعداد ترم‌های حضور در دانشگاه) و تصورات قالبی رابطه‌ای منفی برقرار است، به نحوی که با افزایش تحصیلات افراد تصورات قالبی کاهش می‌یابد و به سمت تفکر آگاهانه درباره دیگران گرایش می‌یابند. با افزایش میزان تحصیلات والدین، تصورات قالبی فرزندان کاهش می‌یابد.

### روش پژوهش و روش‌های اجرایی

این پژوهش مشتمل بر دو بخش نظری و پیمایشی است. در بخش نظری با تبیین و تحلیل اطلاعات و دانش علمی موجود در زمینه پیشداوری و تفکرات قالبی، تلاش خواهد شد. در این چارچوب، تلاش می‌شود ضمن ادراک مسائل مورد بحث، زمینه‌های فکری، امکان لازم برای تحلیل چرایی و چگونگی آن نیز مورد توجه قرار گیرد. در بخش دوم از روش پیمایشی (survey) بهره گرفته می‌شود و مطالعات میدانی با استفاده از تکنیک پرسشنامه (به‌عنوان ابزار اصلی پژوهش) انجام خواهد گرفت.

از آنجا که محور اصلی این پژوهش، مقیاس‌سازی برای سنجش تصورات و نگرش‌های دانشجویان دانشگاه تهران<sup>۱</sup> در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ و پیرامون سایر گروه‌های هویتی است، برای سنجش مفهوم تصورات قالبی و ابعاد کیفی آن، از طیف لیکرت بهره گرفته شده است. در تنظیم پرسشنامه تلاش شده است با دقت و تمرکز لازم در طراحی پرسشنامه، همپای با در نظر گرفتن وجوه کمی، ابعاد کیفی پژوهش مورد غفلت قرار نگیرد (ر.ک: شوسلر، ۱۳۸۲).

### حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه دانشجویان دانشگاه تهران (در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱) است که تعداد دانشجویان آن بالغ بر ۳۱۰۰۰ نفر بوده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران با ۹۵٪ اطمینان در دانشگاه تهران به ترتیب برابر با ۳۷۹ نفر برآورد شد، اما برای تعمیم‌پذیری بیشتر و جلوگیری از افت در نمونه، حجم نمونه، ۱۰۰ پرسشنامه به آن اضافه شد. در نهایت، پس از بازمینی پرسشنامه‌ها و حذف موارد مخدوش، ۴۱۰ پرسشنامه وارد تحلیل نهایی شد.<sup>۲</sup>

### تبیین مفاهیم

#### تصور قالبی

واژه Stereotype از ادغام دو واژه یونانی (στερεότυπος) شکل گرفته است: στερεός (stereos) به معنای سخت و استوار (solid and firm)، و τύπος (typos) به معنای علامت یا نشانه‌گذاری و ادراک (blow, impression and engraved mark).

در حقیقت، معنای اولیه واژه Stereotype در زبان انگلیسی، به صفحات فلزی و قالب‌های سختی که برای تولید بشقاب‌های طرح‌دار به کار می‌رفت، اشاره داشت (Schneider, 2004: 6). چنانکه «میلر» یادآور می‌شود «این واژه احتمالاً به دو معنا به کار می‌رفته است: تصلب (Rigidity) و همانندسازی. بنابراین، وقتی این واژه را در مورد افراد به کار می‌بریم، یعنی اینکه تصورات قالبی متصلب‌اند و همه افراد مورد اشاره دارای خصیصه‌های مشابهی دانسته می‌شوند» (Miller, 1982: 4).

۱. دلایل اصلی انتخاب برای انتخاب دانشگاه تهران به عنوان جامعه نمونه را می‌توان چنین برشمرد:  
الف. دانشگاه تهران - به عنوان دانشگاه مادر در کشور - دارای طیف متنوعی از دانشجویان با زمینه‌های قومی، زبانی و هویتی مختلف می‌باشد. بنابراین شاید بتوان این دانشگاه را از حیث حضور دانشجویان از شهرهای مختلف، «ایران در مقیاسی کوچک» دانست.
  - ب. در دسترس بودن جامعه مورد تحقیق: تجربه ۲۰ سال حضور و تدریس نگارنده در دانشگاه تهران و امکان دسترسی به جامعه آماری مورد مطالعه یکی دیگر از دلایل انتخاب این دانشگاه به عنوان جامعه نمونه بوده است.
۲. برای دسترسی به متن پرسشنامه، نگاه کنید به: [anazari.bloghfa.com](http://anazari.bloghfa.com)

روان‌شناسان اجتماعی معتقدند تصورات قالبی به معنای «تعمیم درباره گروهی از افراد براساس خصیصه‌هایی همانند است که برای همه اعضای آن گروه صرف نظر از تفاوت عینی در میان اعضا به نحوی اجتناب‌ناپذیر مفروض گرفته می‌شود و قالبی‌سازی را شناخت بر حسب کلیشه‌های ذهنی می‌دانند» (Aronson, 2006: 58). تمسک به تصورات قالبی در طبقه‌بندی‌های اجتماعی یک میان‌بُز ذهنی است که افراد را قادر می‌سازد مطالب زیادی را درباره شخص یا گروهی از اشخاص، صرف‌نظر از اینکه آن دانش درست یا غلط باشد، بپذیرند. محتوای این تصورات قالبی آن است که اعضای برخی گروه‌ها دارای خصلت‌های معینی هستند (آذربایجانی و دیگران: ۳۰۲؛ کاتم و دیگران، ۱۳۸۶: ۷۰ و ۲۳۰).

تصورات قالبی دربردارنده هر نوع شناختی نسبت به افراد و گروه‌های دیگر نیست، بلکه مشتمل بر تصورات نادرست و غیردقیق درباره آنهاست. به تعبیر بهتر، افراد ممکن است به‌رغم داشتن برخی اطلاعات محدود یا مبهم، در فرایند قالبی‌سازی برخی از واقعیت‌ها را به‌صورتی اغراق‌آمیز مورد توجه قرار داده و تعمیم دهند (Jussim, et al., 2009: 200). از این رو، پژوهشگران علوم اجتماعی باورهای نادرست افراد را که در مورد شخصیت، رفتار، نگرش، شایستگی‌ها، و در ارتباط با هر نوع گروه (جنسیت، نژاد، طبقه، شأن، محل زندگی، ...) باشد، تصورات قالبی می‌گویند. اگرچه تصورات قالبی ممکن است به افراد کمک کند تا اطلاعات موجود را سریع‌تر تجزیه و تحلیل کنند، از ابهامات کاسته شود و پیچیدگی‌ها نادیده گرفته شود، در نهایت به ایجاد مقاومت در برابر مشاهدات و درک دقیق‌تر منجر می‌شود.

در تعبیر نهایی، می‌توان تصورات قالبی را مجموعه‌ای از مفروضات پیشینی (prior assumptions)، احساسات اغلب منفی، ایده‌ها و باورهای کلی و کنش‌ها درباره برخی گروه‌های اجتماعی دانست که فرهنگ، قومیت، زبان و نژاد متفاوتی دارند. این تصورات، خصیصه‌ها، ویژگی‌های فیزیکی، علائم، نقش‌ها، الگوهای رفتاری و مانند آن را در ارتباط با گروهی خاص منعکس می‌کنند و برای همه اعضای یک گروه، به‌رغم تمایزات و تفاوت‌های شایان ملاحظه، به‌کار می‌رود. (Hamilton and et al, 2009: 179; Stephan, 1985: 599-658; Schneider, 2004: 22; Cothorn, in: Internet Sources).

## پیشداوری

واژه «پیشداوری» (Prejudice) از واژه لاتینی Praejudicium به معنای پذیرش اولیه یا پیش‌فرض (Preliminary or presumption) گرفته شده است و به‌نحو تنگاتنگی مرتبط با واژه Prejudge به معنای از پیش قضاوت کردن است. در ادبیات عمومی، واژه پیشداوری مرتبط با مفاهیمی مانند قضاوت منفی و پیشداوری به نفع برخی افراد یا برخی چیزهاست. پیشداوری می‌تواند به‌عنوان

مجموعه‌ای از واکنش‌های مؤثری باشد که ما دربارهٔ افرادی به‌واسطهٔ عضویت آنها در طبقه‌بندی خاص داریم (Shneider, 2004: 25).

پیشداوری، حکم مقدم بر تجربه است، واکنشی است که شخص نسبت به فردی یا چیزی پیش از هر گونه تجربهٔ واقعی دارد و مبتنی بر تجربه نیست (کلاین برگ، ۱۳۴۶: ۵۶۷). پیشداوری به‌طور متعارف به‌عنوان نگرش غیرمنصفانهٔ منفی (Unfair Negative Attitude) در مورد یک گروه اجتماعی یا فردی است که عضو آن گروه تلقی می‌شود (Dovidio, 2001: 824). در برخی دیدگاه‌ها بر جنبه‌های منفی پیشداوری تأکید شده است. به‌طور مثال، ارونسون پیشداوری را چنین تعریف می‌کند: «پیشداوری نگرش منفی و خصمانه نسبت به گروهی مشخص براساس تصمیم‌های ناشی از اطلاعات ناقص یا نادرست است. براساس این دیدگاه هر گاه گفته می‌شود که شخصی علیه سیاه‌پوستان تعصب و پیشداوری دارد، مقصود آن است که او تمایل دارد رفتاری خصمانه نسبت به سیاه‌پوستان داشته باشد» (ربانی و کجاف، ۱۳۸۶: ۱۵۳). راپرت براون (Rupert Bron) در کتاب *پیشداوری: زمینه‌های اجتماعی آن* می‌نویسد: «تصورات قالبی پدیده‌ای منفی است که به‌عنوان دیدگاه وارونه و تصورات نادرست شناخته می‌شود و حداقل یکی از دلایل تسهیل‌کنندهٔ منازعه است» (Brown, 2001: 82). این مسئله یکی از مبانی نظری سازمان یونسکو برای ارائهٔ «پروژهٔ تنش» (Tensions Project) بود که در آن آمده است:

«باورهای نادرست، که کمابیش از طریق تبلیغات بین‌المللی رسانه‌های جمعی تغذیه می‌شود؛ عنصری مهم در شکل‌گیری منازعه است. تحریف باورها، ایجاد و گسترش تعصبات به‌جای دانش واقعی یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری جنگ‌های گرم و سرد است» (Jahoda, 2001: 8).

پیشداوری مفهومی است که برای اشاره به نگرش‌ها یا رفتارهای منفی در رابطه با افراد به‌واسطهٔ عضویت آنها در گروهی خاص به‌کار می‌رود. برای مثال، پیشداوری به‌عنوان پدیده‌ای بدون اطلاعات کافی، تعریف می‌شود (آلپورت)؛ شکست عقلانیت (هاردینگ) (Harding) و غیرمنطقی، ناعادلانه و غیرهم‌پدیرانه (intolerant). بر این اساس، پیشداوری چنین تحلیل می‌شود:

الف) سوگیری منفی نسبت به اعضای گروهی خاص است، زیرا پیامدهای منفی چنین نگرش‌هایی ممکن است مدت‌ها باقی بماند؛

ب) نامطلوب و غیرعادلانه است، زیرا چنین دیدگاه‌هایی نتیجهٔ تحریف و اعوجاجات شناختی (Cognitive distortions) است؛

ج) غیرمنطقی و نادرست است، زیرا پیشداوری ارتباطی با واقعیت اجتماعی پذیرندگان ندارد؛

د) متصلب است، زیرا حتی اگر اطلاعات متضادی با این نگرش‌ها به‌دست آید، چندان تغییر نمی‌کنند (Augoustinos & Katherine J. Reynolds, 2001: 2).

به‌طور کلی، پیشداوری نگرش غیرمنصفانه و ناموجهی است که مبنای آن عضویت فرد در گروهی خاص است. گروه ممکن است از آدم‌هایی با نژاد، جنسیت، دین یا ملیت خاص تشکیل شده باشد یا با کسی که نسبت به او پیشداوری دارد، تفاوت ملموس دیگری داشته باشد (سانترای، ۱۳۸۳: ۳۷۱). پیشداوری بر اطلاعات نادرست و گمراه‌کننده‌ای مبتنی است که در فرایند اجتماعی شدن به‌دست می‌آید. آنچه موجب پیشداوری نسبت به دیگران می‌شود، مؤلفه‌هایی نظیر تفاوت در زبان، نژاد، طبقه اجتماعی، جنسیت، قومیت، زادگاه، جایگاه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است. یافته‌های جدید حاکی از آن است که پذیرش تصورات قالبی مرتبط با تفکر مبتنی بر پیشداوری و پذیرش بی‌قیدوشرط و جزم‌گرایانه است (Carter, 2006: 111). معمولاً پیشداوری در شخص از بین نمی‌رود و از جنبه منفی به جنبه مثبت تبدیل نمی‌شود و همین واقعیت است که آن را از سوءتفاهم متمایز می‌سازد (ستوده، ۱۳۷۸: ۱۷۰-۱۶۹).

### یافته‌های تحقیق

این بخش از گزارش به ارائه یافته‌های تحقیق در دو محور توصیف متغیرها و تحلیل روابط بین آنها به‌منظور پاسخگویی به پرسش‌های تحقیق به‌صورت تجربی و از طریق تحلیل آماری می‌پردازد. از این رو از دو دسته آمار توصیفی و استنباطی در تحلیل داده‌ها استفاده خواهد شد. ابتدای این بخش به توصیف متغیرها در قالب آماره‌های تک‌متغیره اختصاص یافته و در ادامه روابط بین متغیرها به‌صورت روابط دو‌متغیره (آزمون فرضیات تحقیق) و روابط چندمتغیره (تحلیل عمقی فرضیات تحقیق)، تحلیل و بررسی خواهد شد.

#### ۱. توصیف متغیرها

جنسیت، سن، سطح تحصیلات، شاخه تحصیلی، میزان تحصیلات والدین و قومیت پاسخگو از جمله متغیرهای تحقیق هستند که به بررسی توصیفی آنها پرداخته خواهد شد.

#### ۱.۱. جنسیت پاسخگویان

بررسی نمونه آماری انتخاب‌شده از جامعه آماری دانشجویان از لحاظ جنسیت؛ همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، نشان می‌دهد که تقریباً نصف پاسخگویان، مرد و نصف دیگر، زن بودند.

جدول ۱. توزیع فراوانی جنسیت پاسخگویان

جنسیت	تعداد	درصد	درصد معتبر
زن	۲۰۲	۴۹/۳	۴۹/۳
مرد	۲۰۸	۵۰/۷	۵۰/۷
کل	۴۱۰	۱۰۰	۱۰۰

## ۲.۱. وضعیت تحصیلی پاسخگویان

جدول ۲، توزیع فراوانی مقطع تحصیلی دانشجویان و جدول ۸، توزیع فراوانی شاخه تحصیلی آنها را نشان می‌دهد.

براساس نتایج جدول ۲، دانشجویان مقطع کارشناسی بیشترین فراوانی و دانشجویان کاردانی کمترین فراوانی را دارند.

جدول ۲. توزیع فراوانی مقطع تحصیلی پاسخگویان

مقطع تحصیلی	تعداد	درصد	درصد تراکمی
کاردانی	۷	۱/۷	۱/۷
کارشناسی	۳۱۱	۷۵/۹	۷۷/۶
کارشناسی ارشد	۷۴	۱۸	۹۵/۶
دکتری	۱۸	۴/۴	۱۰۰
کل	۴۱۰	۱۰۰	

جدول ۳. توزیع فراوانی شاخه تحصیلی پاسخگویان

شاخه تحصیلی	تعداد	درصد	درصد معتبر
علوم پایه	۱۰۷	۲۶/۱	۲۶/۳
علوم انسانی و هنر	۱۰۵	۲۵/۶	۲۵/۸
کشاورزی	۹۱	۲۲/۲	۲۲/۴
فنی و مهندسی	۱۰۴	۲۵/۴	۲۵/۶
کل	۴۰۷	۹۹/۳	۱۰۰
داده مفقوده	۳	۰/۷	
کل	۴۱۰	۱۰۰	



**۳.۱. میزان تحصیلات والدین**

در جدول‌های ۴ و ۵، نتایج حاصل از بررسی توصیفی میزان تحصیلات والدین نشان داده شده است.

جدول ۴. توزیع فراوانی میزان تحصیلات پدر پاسخگویان

مقطع تحصیلی	تعداد	درصد	درصد تراکمی
بی‌سواد	۲۷	۶/۶	۶/۶
زیر دیپلم	۷۸	۱۹	۲۵/۶
دیپلم تا لیسانس	۲۲۵	۵۴/۹	۸۰/۵
بالتر از لیسانس	۸۰	۱۹/۵	۱۰۰
کل	۴۱۰	۱۰۰	

براساس نتایج جدول ۵، درصد اندکی از پدر پاسخگویان، بی‌سواد بودند و میزان تحصیلات دیپلم و بیشتر، نزدیک به ۷۵ درصد را دربرمی‌گیرد.

جدول ۵. توزیع فراوانی میزان تحصیلات مادر پاسخگویان

مقطع تحصیلی	تعداد	درصد	درصد معتبر	درصد تراکمی
بی‌سواد	۳۲	۷/۸	۷/۹	۷/۹
زیر دیپلم	۱۰۴	۲۵/۴	۲۵/۶	۳۳/۵
دیپلم تا لیسانس	۲۳۴	۵۷/۱	۵۷/۶	۹۱/۱
بالتر از لیسانس	۳۶	۸/۸	۸/۹	۱۰۰
کل	۴۰۶	۹۹	۱۰۰	
داده مفقوده	۴	۱		
کل	۴۱۰	۱۰۰		

**۲. بررسی روابط متغیرها**

این بخش از گزارش به بررسی روابط بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته می‌پردازد. از این رو در بخش اول به بررسی آزمون فرضیات تحقیق در قالب روابط دومتغیره و در بخش بعدی به بررسی تشریحی فرضیات تحقیق در قالب روابط چندمتغیره پرداخته خواهد شد.

**۲.۱. روابط دومتغیره****۲.۱.۱. رابطه جنسیت و تصورات قالبی**

فرضیه یک: تصورات و ادراکات از دیگر گروه‌های هویتی، تابعی از جنسیت (زن/ مرد) است، به این معنا که احتمالاً تصورات قالبی در میان مردان بیشتر است.

برای آزمون این فرضیه از آزمون t استفاده می‌شود، زیرا تصورات قالبی در سطح سنجش فاصله‌ای سنجیده شده، بنابراین می‌توان میانگین تصورات قالبی دو گروه مردان و زنان را مقایسه کرده و با توجه به سطح معنی‌داری، فرضیه را تأیید یا رد کرد. نتایج بررسی آزمون این فرضیه در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶. نتایج بررسی آزمون t رابطه جنسیت و تصورات قالبی

میانگین		آزمون t				آزمون leven جهت همگنی واریانس‌ها		
زن	مرد	تفاوت میانگین‌ها	معنی‌داری (دودامنه)	درجه آزادی	t	معنی‌داری	F	
۲۹/۲۲	۲۹/۲۶	-۰/۹۶	۰/۲۹۷	۳۷۵	۱/۰۴۵	۰/۸۰۷	۰/۰۶	با فرض همگن بودن واریانس‌ها
تعداد		-۰/۹۶	۰/۲۹۷	/۵۷ ۳۷۷	۱/۰۴۵			با فرض ناهمگن بودن واریانس‌ها
۱۹۰	۱۹۰							

نتایج جدول ۶، نشان می‌دهد که با توجه به سطح معناداری آزمون t که بیشتر از ۰/۰۵ است، فرضیه رد می‌شود و نمی‌توان رابطه معنای‌داری را بین دو متغیر متصور شد. آن‌طور که نتایج جدول نشان می‌دهد، مردان بیشتر از زنان دارای تصورات قالبی‌اند، لیکن این وضعیت فقط در همین نمونه آماری دیده شده و قابل تعمیم به کل جامعه آماری نیست.

## ۲.۱.۲. رابطه بین سطح تحصیلات و تصورات قالبی

فرضیه دو: با افزایش میزان تحصیلات (به معنای مقطع تحصیلی بالاتر و افزایش تعداد ترم‌های حضور در دانشگاه)، کاربرد تصورات قالبی کمتر می‌شود. به بیانی دیگر، میان میزان تحصیلات افراد (به معنای مقطع تحصیلی بالاتر و افزایش تعداد ترم‌های حضور در دانشگاه) و تفکرات قالبی رابطه‌ای منفی برقرار است، به نحوی که با افزایش تحصیلات افراد تصورات قالبی کاهش می‌یابد و به سمت تفکر آگاهانه درباره دیگران گرایش می‌یابند.

به منظور آزمون رابطه مقطع تحصیلی دانشجوی (سطح سنجش ترتیبی) و تصورات قالبی (سطح سنجش ترتیبی) از ضریب همبستگی تا او سی کندال استفاده شده است. جدول ۷، جدول دویبعدی متغیر مقطع تحصیلی و تصورات قالبی و جدول ۸ نتایج آزمون فرضیه را نشان می‌دهد.

جدول ۷. جدول دوبعدی متغیر مقطع تحصیلی دانشجوی و تصورات قالبی (برحسب درصد)

کل	تصورات قالبی			مقطع تحصیلی دانشجوی
	زیاد	متوسط	کم	
۱۰۰	۰	۸۳/۳	۱۶-۷	کاردانی
۱۰۰	۷/۳	۴۹/۱	۴۳/۶	کارشناسی
۱۰۰	۱/۵	۴۲/۶	۵۵/۹	کارشناسی ارشد
۱۰۰	۵/۹	۵۲/۹	۴۱/۲	دکتری
۱۰۰	۶/۱	۴۸/۷	۴۵/۳	کل

با توجه به نتایج جدول ۷، فرضیه رابطه معکوس مقطع تحصیلی دانشجوی و تصورات قالبی تأیید می‌شود، زیرا همان‌طور که مشاهده می‌شود، رابطه بین دو متغیر معنی‌دار و منفی است، یعنی با کاهش سطح تحصیلی دانشجوی از تصورات قالبی وی درباره گروه‌های قومی کاسته می‌شود.

جدول ۸. نتایج بررسی رابطه مقطع تحصیلی دانشجوی و تصورات قالبی با استفاده از ضریب همبستگی تا اوسی کندال

تعداد	سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی
۳۸۰	۰/۴۴۰	۰/۰۷

### ۳.۱.۲. رابطه بین شاخه تحصیلی و تصورات قالبی

فرضیه سوم: میان شاخه تحصیلی دانشجویان (علوم پایه، علوم انسانی و هنر، کشاورزی، فنی و مهندسی) و شکل‌گیری و کاربرد تصورات قالبی رابطه وجود دارد و تصورات قالبی در میان دانشجویان علوم انسانی و هنر کمتر از دانشجویان سایر شاخه‌هاست.

با توجه به سطح سنجش اسمی متغیر شاخه تحصیلی و فاصله‌ای بودن متغیر تصورات قالبی، در جهت آزمون این فرضیه از تحلیل واریانس یکطرفه استفاده می‌شود. به این معنا که بررسی می‌شود میانگین تصورات قالبی در میان شاخه‌های تحصیلی از تفاوت معنی‌داری برخوردار است یا نه؛ که تحلیل واریانس، آزمون مناسبی برای تحلیل چنین شرایطی است. در جدول ۹، میانگین تصورات قالبی شاخه‌های تحصیلی و در جدول ۱۰، نتایج اجرای آزمون تحلیل واریانس ارائه شده است.

جدول ۹. میزان تصورات قالبی به تفکیک شاخه تحصیلی

شاخه تحصیلی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
علوم پایه	۱۰۳	۲۸/۹۹	۹/۰۷
علوم انسانی و هنر	۹۸	۲۷/۴۶	۹/۲۲
کشاورزی	۸۱	۲۹/۸۳	۸/۶۴
فنی و مهندسی	۹۶	۲۸/۷۷	۸/۸
کل	۳۷۸	۲۸/۷۱	۸/۹۵

با توجه به نتایج جدول ۹، از آنجا که سطح معنی داری آزمون  $F$ ، بیشتر از  $۰/۰۵$  است، می توان گفت که تفاوت معنی داری از نظر تصورات قالبی نسبت به گروه های هویتی در بین شاخه های تحصیلی دیده نمی شود و بنابراین، فرضیه رد می شود.

جدول ۱۰. نتایج بررسی رابطه شاخه تحصیلی دانشجو و تصورات قالبی با استفاده از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه

مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجذور میانگین	F	سطح معنی داری
۲۶۲/۳۰۶	۳	۸۷/۴۳۵	۱/۰۹۱	۰/۳۵۳
۲۹۹۶۰/۸۳۶	۳۷۴	۸۰/۱۰۹		
۳۰۲۲۳/۱۴۳	۳۷۷			

#### ۲.۱.۴. رابطه بین تحصیلات والدین و تصورات قالبی

فرضیه چهارم: با افزایش میزان تحصیلات والدین، شکل گیری و کاربرد تصورات قالبی کاهش می یابد.

میزان تحصیلات والدین (پدر و مادر)، در سطح ترتیبی بوده و جهت آزمون فرضیه، تصورات قالبی نیز در سطح سنجش ترتیبی در نظر گرفته می شود. از این رو از ضریب همبستگی تا او سی کندال استفاده می شود. در جدول های ۱۱ و ۱۲، جدول دوی بعدی و نتایج اجرای ضریب همبستگی تا او سی کندال تحصیلات پدر و تصورات قالبی و در جدول های ۱۳ و ۱۴، همین موارد برای تحصیلات مادر و تصورات قالبی ارائه شده است.

جدول ۱۱. جدول دوبعدی متغیر سطح تحصیلات پدر و تصورات قالبی (برحسب درصد)

کل	تصورات قالبی				
	زیاد	متوسط	پایین		
۱۰۰	۳/۸	۳۸/۵	۵۷/۷	بی‌سواد	تحصیلات پدر
۱۰۰	۶/۹	۵۱/۴	۴۱/۷	زیر دیپلم	
۱۰۰	۵/۷	۴۹/۵	۴۴/۸	دیپلم تا لیسانس	
۱۰۰	۶/۹	۴۷/۲	۴۵/۸	بالتر از لیسانس	
۱۰۰	۶/۱	۴۸/۷	۴۵/۳	کل	

نتایج آزمون فرضیه در جدول ۱۲، بیانگر رد فرضیه رابطه بین تحصیلات پدر و تصورات قالبی دانشجویان است. سطح معنی‌داری بیشتر از ۰/۰۵ است.

جدول ۱۲. نتایج بررسی رابطه تحصیلات پدر و تصورات قالبی با استفاده از ضریب همبستگی تا او

سی کندال

تعداد	سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی
۳۸۰	۰/۸۱۲	۰/۰۱

جدول ۱۳. جدول دوبعدی متغیر سطح تحصیلات مادر و تصورات قالبی (برحسب درصد)

کل	تصورات قالبی				
	زیاد	متوسط	پایین		
۱۰۰	۳/۲	۴۱/۹	۵۴/۸	بی‌سواد	تحصیلات مادر
۱۰۰	۹/۵	۴۴/۲	۴۶/۳	زیر دیپلم	
۱۰۰	۳/۷	۵۳/۷	۴۲/۶	دیپلم تا لیسانس	
۱۰۰	۱۱/۴	۳۴/۳	۵۴/۳	بالتر از لیسانس	
۱۰۰	۵/۸	۴۸/۵	۴۵/۶	کل	

رابطه تحصیلات مادر و تصورات قالبی دانشجویان مطابق با نتایج جدول ۱۳، همانند رابطه بین تحصیلات پدر با این متغیر؛ معنی‌داری نیست و فرضیه رد می‌شود.

جدول ۱۴. نتایج بررسی رابطه تحصیلات مادر و تصورات قالبی با استفاده از ضریب همبستگی تا او

سی کندال

تعداد	سطح معنی داری	ضریب همبستگی
۳۷۷	۰/۷۹۹	۰/۰۱۱

## نتیجه

منشأ و دلایل تصورات قالبی ناشی از عوامل گوناگونی مشتمل بر عوامل درونی فردی (Intraindividual)، روان‌پویایی شناختی (Cognitive Psychodynamic)، محرک‌های شناختی، بینافردی، نهادی و فرهنگی است (gaetner, & John F.dovidio, 2004: 489). به‌رغم تعیین‌کننده بودن ساختار داخلی جوامع در پذیرش یا عدم پذیرش برخی باورها و تصورات، متأثر از نقش تعیین‌کننده شبکه‌های ماهواره‌ای، سایت‌ها و شبکه‌های مختلف اجتماعی، شاهد نقش‌آفرینی فزاینده نگرش‌ها و ادراکاتی هستیم که در دنیای مجازی شده به سرعت انتشار یافته و بعضاً براساس برنامه‌ریزی‌هایی خاص در مراکز فرامرزی و بیرونی با هدف تخریب بنیان‌های هویت و انسجام ملی انتشار می‌یابد.

حفظ وحدت و یکپارچگی هویتی مستلزم اتخاذ راهکارهایی خلاقانه و مدبرانه است تا با کاهش و حذف تصورات منفی و نادرست اقوام و گروه‌های هویتی، فرصت‌های ساختاری لازم را برای بقای همبستگی ملی تضمین کند. از این رو، برای تحقق چنین ایده‌آلی در ادامه راهکارهایی عینی - عملی پیشنهاد می‌شود:

۱. آگاه کردن افراد نسبت به ماهیت تصورات قالبی، پیشداوری و پیامدهای آن و ارتقای سطح آگاهی افراد درباره تنوع هویتی موجود در ایران، از طریق گسترش ارتباطات بین گروه‌های هویتی مختلف در جامعه؛ ایجاد فضای ساختاری لازم به‌منظور تجربه زندگی چندقومیتی در محیط‌های آموزشی، دانشگاه‌ها و ادارات، تسهیل تعامل و ارتباطات بین اقوام از طریق ازدواج، مناسبات اقتصادی که جنبه هم‌تکمیلی دارد، و آگاهی‌بخشی به خانواده‌ها به‌خصوص به والدین به‌واسطه آنکه نقش آنها در مراحل اولیه زندگی (پیش‌دبستانی) بیشتر است و نگرش بچه‌ها نسبت به دیگران اغلب مرتبط با دیدگاه‌های والدین است.
۲. تلاش مؤثر رسانه‌های دیداری و شنیداری و ارتقای عملکرد رسانه‌های جمعی به‌ویژه رادیو و تلویزیون به‌مثابه یکی از ابزارهای مؤثر در راستای آشنایی با موارث تاریخی، اقوام و نمادهای مشترک ملی و زدودن احساسات منفی و پیشداوری نسبت به دیگر گروه‌های هویتی.
۳. اعتمادسازی و ایجاد زمینه‌های شناخت متقابل جهت کاهش تعصبات محلی، و قومی و کاهش فاصله اجتماعی میان گروه‌ها: ارتباط مستمر گروه‌ها براساس موقعیت برابر، ارتقای

سطح آموزشی - شناختی و اصلاح فرایندهای اجتماعی شدن و ایجاد آمادگی ذهنی لازم برای مشارکت آگاهانه در فرایند هویت‌سازی با تأکید بر بازسازی ذهنیت‌ها، متناسب با نیازمندی‌ها و شرایط و مقتضیات امروزی از اولویت‌های اصلی در این زمینه است.

۴. تلاش برای گسترش ارتباطات و پیوندهای جمعی در سطح ملی و زدودن احساس انزوا و بیگانگی هویتی: پیشداوری موجب می‌شود تا از گروه‌های دیگر دوری گزینیم؛ زیرا ارتباط، یکی از راه‌های درهم شکستن پیشداوری است. ارتباط بین‌فرهنگی موجب افزایش آگاهی از تفاوت‌های فردی می‌شود و این آگاهی می‌تواند ما را کمک کند تا از تفکرات قالبی بپرهیزیم. توسعه هویت‌های فراگیر در میان افراد، گروه‌ها و اقوام بر پایه سرزمین مشترک، آیین و نمادی مشترک، تاریخ و میراث مشترک فرهنگی که می‌تواند یکی از عوامل اصلی همگرایی و احساس تعلق ملی در درازمدت تلقی شود.

## منابع و ماخذ

### الف) فارسی

۱. آذربایجانی، مسعود و دیگران (۱۳۸۲)، روان‌شناسان اجتماعی، با نگرش به منابع اسلامی، تهران: سمت.
۲. ربانی، رسول و محمدباقر کجیاف (۱۳۸۶)، روان‌شناسی اجتماعی (دیدگاه‌ها و نظریه‌ها) اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
۳. سانتراک، جان دلیو (۱۳۸۳)، زمینه روان‌شناسی سانتراک، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران: رسا.
۴. ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۷)، روان‌شناسی اجتماعی. ج یازدهم. تهران: آوای نور.
۵. شوسلر، کارل، اف (۱۳۸۲)، مقیاس‌های نگرش اجتماعی، ترجمه هوشنگ نابیی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶. کاتم، مارتا و دیگران (۱۳۸۶)، مقدمه‌ای بر روان‌شناسی سیاسی، ترجمه سید کمال خرازی و جواد علاقی‌بند راد، تهران: نشر جهاد دانشگاهی.

### ب) خارجی

7. Aboud, F. E & Doyle, A. B (1996), Parental and Peer Influences on Children Racial Attitudes. *International Journal of Intercultural Relations*, 20, 371- 383.
8. Aronson, Eliot (2006), Adventures in Experimental Social Psychology: Roots, Branches, and Sticky New Leaves. in *Reflection on 100 years of Experimental Social Psychology*. Eds by A. Rodrigues and R. Levine. Los Angeles, Westview; Abrams: 58.
9. Bandura, A (1994), Cognitive Theory or Mass Communication in J. Bryant & D. Zillmann (EDS), *Media Effects: Advanced in Theory and Research*, Hillsdale, NJ: Erlbaum: 61-90.
10. Boldane, Ilze (2003), Latvian's Ethnic Stereotypes Regarding Ethnic and Cultural Minorities of Latvia. *Trans by Natalia Shorohora, Pro Ethnologia*, 15: 197-206.
11. Brown, Rupert (2001), *Prejudice: It's Social Psychology*. Oxford, Blackwell .
12. Brown, Rupert (1995), *Prejudice: The Target's Perspective*. San Diego: Academic Press.
13. Carter, John D. et al (2006), Individual differences in the acceptance of Stereotyping, *Journal of Research in Personality*, Volume 40, Issue 6, December: 1108 (1103-1118).
14. Cothorn, Julie A. (2010), *Prejudice and Racism*, in: <http://clearinghouse.missouriwestern.edu/manuscripts/479.php>.
15. Dovidio, John F. (2001), On the Nature of Contemporary Prejudice: The Third wave. *Journal of Social Issues*, Vol. 57, No. 4 : 629- 849.
16. Hamilton David L. et al (2009), The Role of Ethnicity in Stereotyping processes and parameters. In *Handbook of Prejudice, Stereotyping and Discrimination*. Edited by Todd Nelson. NewYork: Psychology press.

17. Hirschfeld, L. A (1996), *Race in the Making: Cognition, Culture, and the Child's Construction of Human Kind*. Cambridge: Miteress.
18. Jahoda (2001), *Beyond Stereotypes*. *Culture & Psychology*. 7: 181-197.
19. Jussim, Lee, et.al (2009), *The unbearable Accuracy of Stereotypes*. In *Handbook of Prejudice, Stereotyping and Discrimination*. Edited by Todd Nelson. NewYork: Psychology press.
20. Levy, Sheri R. & Julie milligan Hughes (2009), *Development of Racial and Ethnic Prejudice among Children*, in Todd. D Nelson (Ed), *Handbook of Prejudice, Stereotyping and Discrimination*, New York: Psychology Press and Taylor & Francis Group.
21. Miller, A.G. (1982), *Historical and Contemporary Perspective on Stereotyping*. In: Miller, A.G. (Ed) *in the eye of Beholder: Contemporary Issues in Stereotyping*. NewYork, Prages:1-40.
22. Rutland, Adam (2009)," *Children: Stereotypes and Prejudice*". *Encyclopedia of Group Processes & Intergroup Relations*. London: Sage, available at: [www.sparknotes.com/psychology/psychology101/socialpsychology/section2.html#stereotypes](http://www.sparknotes.com/psychology/psychology101/socialpsychology/section2.html#stereotypes).
23. Sherif, M (1966), *Group Conflict and Cooperation*, London: Roultdge & Keagan Paul.
24. Schneider, David J. (2004), *The Psychology of Stereotyping*. New York: The Guilford press.
25. Sechrist, G. B and Stangor, C. (2001), *Perceived Consensus Influences Intergroup Behavior and Stereotype Accessibility*, *Journal of Devine*, 80, 645- 654.
26. Stephan, W.G. (1985), *Intergroup Relations*. In G. Lindzey & E. Aronson (Eds). *Handbook of Social Psychology*. NewYork: Random House. Vol 2: 599-658.
27. Stephan, Walter G. et al (2009), *Intergroup Threat Theory*, in *HandBook of Prejudince, Stereotyping and Discrimination* Edited by Todd D. Nelson, New York: Psychology Press.
28. Tajfel, H. (1981), *Human Groups and Social Categories*. New York: Cambridge University Press.